

گزارش

بازنده‌های مدعی

«فرهیختگان» دعوای‌های بودجه‌ای «از یادها رفته» و «معمای شاه» ابرپرسی می‌کند



سیدمحمد موسوی‌نایار روزنامه‌نگار

عباس نعمتی، مشاور تولیدسرپرست‌نویسندگان سریال «ز یادها رفته» که در کارنامه‌اش، مشاور مرتضی میرافشاری معاون نگارش سریال‌هایی چون «چراغ جادو»، «اولین آتش آرامش»، «تا صبح»، «گمشده» و «نون و ریحون»، «دکتر براد» و سرپرستی نویسندگان مجموعه تلویزیونی شاید برای شما هم آشنای باشد، دیده می‌شود. در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر از تولیدیون دقیقه‌ای ۱۰ میلیون «آقای نعمتی» ادعای‌های اساسی و نامرکز کرده که باید آنها را ثابت کند. اگر تلویزیون دقیقه‌ای ۳۰ میلیون تومان به ما پرداخت کرده است، ایشان سند و مدرک این پرداخت را ارائه کند. وی ادامه داد: آقای نعمتی اگر در سریالی که خودش سند ندارد، دیگر دزدان را به مشکل خورده و کارش معیض از آب درآمده درباره کار خودش صحبت کند نه اینکه موضوع را به حاشیه بکشاند و مسائل بی‌پایه و اساس را عنوان کند. مگر من در این سال‌ها از سختی‌هایی که در مواجهه با تلویزیون داشتم، صحبتی کرده‌ام که حلال یک مدعی دیگر پیدا می‌شود و حرف‌های دروغ می‌زند؟ شترکاذیب بشکرد پرویز ناموفق از یادها رفته است.

۲۳ میلیارد تومان هزینه تولید «از یادها رفته»

آنچه در ادامه خواهید خواند متن مصاحبه عباس نعمتی، مشاور تولید سریال «از یادها رفته» با خبرگزاری مهر است که در این مصاحبه، رقم بودجه این سریال شکست خورده تا حدودی مشخص شده است. با توجه به اینکه سریال «از یادها رفته»، در وفا ۲۵ قسمتی آماده شده و در نظر گرفتن میانگین ۲۵ دقیقه‌ای هر قسمت و همچنین با استناد به اظهارات مشاور تولید این سریال که برای هر دقیقه، ۹ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان برآورد هزینه اعلام کرده است، می‌توان نتیجه گرفت رقمی بیش از ۲۲ میلیارد تومان هزینه تولید این سریال شده است.

نعمتی: می‌دانید بودجه سریال سازی چقدر است؟
مهر: دقیقاً نه، اما معمولاً دقیقه‌ای بین ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ میلیون تومان برای سریال‌های معمولی و روزنر.
نعمتی: تلویزیون در حال حاضر تنها دو سریال (اف‌تو و دزد موسی (ع) و سلمان فارسی. سریال‌های معمولی تلویزیون امروز با دقیقه‌ای حدود پنج میلیون تومان برآورد می‌شود که دو سریال قبیب ما در ماه رمضان همین احتمال هم با همین رقم تولید شدند. «از یادها رفته» اما برآورد دقیقه‌ای ۹ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان بوده است. با برآورد دقیقه‌ای پنج میلیون تومان کلید خورد و حالا به ۹ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان رسیده است. ۱۴ میلیارد مداری که با گوهرشاد پانزده ماه می‌شود، سه سال کار کردیم که ۲۵ درصد قسمت تولید شد.
مهر: این رقم برای سریال‌های مشابه مانند معمای شاه چندان مرسوم نیست...
نعمتی: از رقم تولید، معمای شاه خبر دارید؟
مهر: دقیقه‌ای ۳۰ میلیون تومان اگر اشتباه نکنم.
نعمتی: پنج سال پیش با برآورد دقیقه‌ای ۳۰ میلیون تومان ساخته شد.
مهر: یعنی در یک برآورد کلی هر قسمت از سریال «از یادها رفته» با هزینه‌ای معادل یک سوم هر قسمت از «معمای شاه» تولید شد؟

نعمتی: یک سوم نه، با توجه به تفاوت قیمت‌ها از پنج سال پیش تا امروز چیزی حدود یک‌ششم می‌شود. آن زمان که دقیقه‌ای ۲۰ میلیون تومان خرج «معمای شاه» شد، سریال معمولی با دقیقه‌ای دو میلیون تومان مصوب می‌شد، امروز هزینه سریال معمولی به قیمت میلیون رسیده، اما برای سریال تاریخی از این جنس به ۹ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان کاهش پیدا کرده است. این افتخار می‌کنم مشاور تولید پروژهای بوده‌ام که شاید به‌عنوان مخاطب حرف‌های احساس کردید یک سریال الفبوزته است. در حالی که اصلاً چنین بودجه‌ای نداشتند است. «از یادها رفته» از نظر کیفیت تنها حتماً الفبوزته است اما نظریه بودجه این گونه نبوده است. به طور کلی می‌گویم از نظر تعداد ادعای خضور سیاسی اشگر در مقابل دوربین، هیچ‌یک از سریال‌های تاریخی ما تا به امروز مشابه از یادها رفته نبوده است؛ از «کاله پهلوی» گرفته «معمای شاه تا مشهره‌اد».

۵۴ میلیارد تومانی «معمای‌شاه»

علی لدنی، تهیه‌کننده تلویزیون، درباره هزینه تولید برای سریال «معمای شاه» گفته است: «در ۵۴ میلیارد تومان هزینه تولید این سریال شد که سه سال دو ماه کار تصویربرداری آن به طول انجامید. از این رقم حدود ۱۶ میلیارد تومان در هزینه ساخت دکورهای ماندگار نظیر خانه دکتر وزیر، خیابان انقلاب، سر در دانشگاه تهران، حلی‌آباد، میدان همدان و... شد که هنوز هم پابرجا هستند و همین سریال از یادها رفته هم با برخی از این دکورها استفاده کرده بود. ۱۶ میلیارد دیگر، هزینه سریال نشده بلکه سرمیای برای سازمان صداوسیما بود که هنوز هم پابرجاست و از آن بهره می‌برد و حتی فیلم‌ها و سریال‌های دیگر هم از آن بهره‌برده‌اند. نکته مدعی این است که ما در این سریال حدود ۴۰ میلیارد هم هزینه تولید کردیم. بخشی از این هزینه به اجاره‌های گرافور برزخی لوکشن‌های خاص یا اختصاص داشت. ما در این کار از حضور حدود ۸۵۰ بازیگر بهره‌بردایم که ۲۰۰ نفر از آنها بازیگران شاخص بوده‌اند. ۲۰۰ هزار نفر هنرور داشته‌ایم این سریال در بیش از ۴۰۰ لوکشن تصویربرداری شده است. در نهایت دو هزار و ۵۰۰ سکانس تهیه شده و ما حدود چهار هزار دقیقه تولید داشته‌ایم که در ۹۶ قسمت، ۲۵ درصد آن را زنیفته است.

طبق چیزی که درباره هزینه تولید سریال معمای شاه گفته‌ایم، اثر با برآورد دقیقه‌ای حدود ۱۲۵۱۰ میلیون تومان ساخته شده و با آنچه آقای نعمتی اشاره کرده، تفاوت فاحشی دارد. اگر ایشان بودجه یک‌ششم معمای شاه برای از یادها رفته هنر داده، باید گفت پس از این سریال ۲۵ قسمتی با دقیقه‌ای حدود یک و نیم تا دو میلیون تومان ساخته شده است. امیدوارم رئیس سازمان صداوسیما برای برخورد با عوامل دخیل در این ماجرا و بررسی پرونده سیاسی و مالی سریال از یادها رفته، دستور فاطمی صادر کند و قوه قضائیه هم در این پرونده ورود کند. مگر ساخت سریال با پول بی‌امثال بر ضد ارزش‌های اعتدادی و اخلاقی جرمی اثر از جرم متلافان روزنامه‌ها!؟

دعویا بر سر بودجه یا محتوا

آثار از دعوای‌های بودجه‌ای این دو مجموعه که باید دقیق طبق نظرسنجی‌ها در سال‌های آینده چه جایگاهی در تاریخ آثار فاخر تلویزیون خواهند داشت، اما نکته چندان قابل قائل است. «فرهیختگان» از اولین رسانه‌هایی بود که به شباهت عجیب و بی‌منطق از یادها رفته، به «ز یادها رفته» اشاره کرد و چندی بعد اما اگر تحویلشان، تهیه‌کننده این اثر در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر، این شباهت را از اساسی اشتباه خوانند و گفت: در قضا ما حوادث زمان و تحولات تاریخی بر عشق موثر است در حالی که «فره‌شاه» مثل یک زمان عاشقانه بود. با این حال به تدریج که سریال جلو برد خیلی‌ها می‌بینند که گمانه‌زنی‌های شان اشتباه بوده است و به خط رفته‌اند. «اظهارات تحویلشان در حالی است که بعد از شکست سریال «از یادها رفته»، نعمتی در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر، از این شباهت استقبال کرده و آن را به شباهت یک مرد با جرح کلونی! قیاس می‌کند. دلیل این تناقض در گفتارهای عوامل «از یادها رفته» چیست؟ بالاخره شباهت بوده یا نبوده و اگر بوده، چقدر بوده یا ید؟ نکته دیگر در این دوا این است که نسبت معقولی بین اعداد مطرح شده و کیفیت آثار وجود ندارد. سریال‌های موفق دهه ۶۰ و ۷۰ بودجه‌های آنچنانی ساخته شده. شاب بی‌دل و سبیل انکاری از ساخت سریال‌ها در سال‌های اخیر به یک ایدئمی تبدیل شده است که عوامل در سریال ناموفق، برای پیشرفت خودشان دست کم به بررسی فضاهایشان بپردازند و با جوسازی‌های رسانه‌ای، سعی در نهان کردن نقص‌هایشان نکنند.

فرهنگ

چیزسرنو بیل

نسخه آمریکاگایی ترس فروشی

چرنوبیل جدیدترین نسخه از آثار خوش ساخت آمریکایی است که افکار عمومی این کشور را با تلقین ترس از دشمنان خارجی بسیج می‌کنند



میلاد جلیل‌زاده

روزنامه‌نگار

«چرنوبیل» اولین فاجعه اتمی بود؟

«چرنوبیل» نخست‌ا اولین حادثه بزرگ اتمی در دنیا نیست، بلکه غیرشماره‌ترین آنهاهم به حساب نمی‌آید. اولین حادثه‌های اتمی در دنیا مربوط به سال ۱۹۵۷ می‌شود و در سال‌های بعد هم چندین اتفاق دیگر رخ داده که مشابه آن دواقعه، تقریباً همزمان در انگلستان و روسیه بود. نیروگاه ونیداگل کارگامبرلند انگلستان، در سال ۱۹۵۷ دچار سانحه شد و ۲۲ سال در آتش سوخت. همان سال در نیروگاه «کیشیم» روسیه هم چنین سانحه‌ای، البته در منطقه‌ای غیر مسکونی رخ داد. اما کردار وقوع سانوح خطرناک در نیروگاه‌های هسته‌ای ایالات متحده آمریکااست که اولین بار به‌طور جدی در پایگاه انرژی آزمایشگاهی آیدین چوین چیزی را تجربه کرد. این حادثه در سال ۱۹۶۱ رخ داد و اینکه سطح آن در رده‌بندی سانوح هسته‌ای حداقلی بود، اما باعث مرگ سه نفر شد. سال ۱۹۷۵ نیروگاه براونزفری، در ایالت آلاباما آمریکا هم به دلیل

بسیار دود و بیش با افتاده، یعنی استفاده از شمع برای امتحان نشستن گاز در تونل کل‌های کنترا، دچار حریق هفت ساعته و ویرانگر شد. البته بین اِسن دو حادثه آمریکا،ی فرانسه هم در سال ۱۹۶۹ یک سانحه اتمی، آنچیزه کرد کمتر به یادگشت ۵۰ کیلوگرم اورتیو، به‌اندازه‌اینها

در برابر درختی، «تری‌مایل لیند» رخ داد، یک حادثه کوچک بودند. اولین حادثه بزرگ اتمی در دنیا مربوط به سال ۱۹۷۹ در ایالت پنسیلوانیا آمریکا می‌شود. این حادثه باعث شد، آمریکا برای کربن‌۱۳ گازهای گل‌زهن و کربن‌۱۴ گازهای نادر، پروژهای جدید راواروهای آزاد بشوند و این حال دولت ایالات متحده مرتبا اعلام کرده است که این حادثه هیچ‌تو نفلات جنایی با هیچ‌گونه تائیری بر محیط‌زن منطقه نداشتنه است. در نوع خودش به منچهرترین اتفاقات تاریخ تولید رخ داد که چرنوبیل در زمان استقرار اتحاد جماهیر شوروی، در منطقه اوتکین تولید می‌شد. در مقابل دوربین، هیچ‌یک از سریال‌های تاریخی ما تا به امروز مشابه از یادها رفته نبوده است؛ از «کاله پهلوی» گرفته «معمای شاه تا مشهره‌اد».

اتمی هولناک مثل آنچه در اوکراین ۱۹۸۶ رخ داد، مقامات شوروی سابق سعی کردند تا به هر شکل ممکن با جلوگیری از انتقال جس فاجعه به مردمی این‌کتسری بنوده‌شهرندان منتقل شود.مساله این بود که چرنوبیل در زمان استقرار اتحاد جماهیر شوروی، در منطقه اوتکین تولید می‌شد. در مقابل دوربین، هیچ‌یک از سریال‌های تاریخی ما تا به امروز مشابه از یادها رفته نبوده است؛ از «کاله پهلوی» گرفته «معمای شاه تا مشهره‌اد».

پایان روزی که این حادثه رخ در ۱۳۲ نفر به واسطه وقوع آن در ایستگاه ستری شده بودند و این اتفاق در نهایت جان ۲۸ نفر گرفت. آمریکایی‌ها آمال‌هایی که روس‌ها در این خصوص منتشر کرده‌اند، اموافق نمی‌دانند و مورخان حادثه‌یادگان این رویداد را پنج میلیون نفر اعلام می‌کنند که شامل تمام ده‌ها دهگان احتمالی به تشتمع‌اند و دو میلیون نفر سراسر شمال غربی اروپا و منطقه اسکندندانی می‌شود. آمریکا‌های هم‌گوند بر اثر انفعال در راکتور بلوک چهار تأسیسات اتمی چرنوبیل، مواد رادیواکتیو برای ساختن حدود ۱۰۰ بمب اتمی آزاد شدند. «اگر چنین باشد، انفجار اتمی چرنوبیل بسیار عظیم‌بوده و مهار آن توسط روس‌ها در کنار تمام خطاهایی که هنگام مدیریت بحران انجام داده‌اند، کاری بسیار طاقت‌فرسا و حتی به قدر ۹۶ برابر قسید. اما آمریکا‌ها از این زاویه به قضیه نگاه نمی‌کنند. تا‌کید آنها روی حادثه چرنوبیل که سال‌ها بعد با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی همچنان ادامه پیدا کرده، ریشه در سرخوردگی کم و بیش دو میلیون تومان ساخته شده است. چرنوبیل در زمان خود، برای اولین بار، به عنوان یک راکتور هسته‌ای برای پیشرفت هسته‌های پیش از اواخر جنگ سرد ایجاد کرده بود. روس‌ها طی راپایان جنگ جهانی دوم، فناوریون قضایی دست‌پاگردند و آمریکا‌ها روزم مقابل‌یون فناوری هسته‌ای مامو می‌دانند تا اینکه روس‌ها توسط جاسوسی هسته‌ای نتوانستند ظرف مدت یک دهه، توانمندی هسته‌ای و حتی قابلیت ساخت بمب اتمی برسند.

اولین جنگ سرد با اواخر آن تراز یکسانی به لحاظ توان نیروهای دو طرف منطبق قرار نداشت. در اوایل کار روس‌ها موفق‌تر از اواخر آن بودند و این روند نزولی نهایتاً به فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی انجامید. انفجار در نیروگاه اتمی چرنوبیل یکی از اتفاقاتی بود که گمانه‌زنی‌های شان اشتباه بوده است و به خط رفته‌اند. «اظهارات تحویلشان در حالی است که بعد از شکست سریال «از یادها رفته»، نعمتی در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر، از این شباهت استقبال کرده و آن را به شباهت یک مرد با جرح کلونی! قیاس می‌کند. دلیل این تناقض در گفتارهای عوامل «از یادها رفته» چیست؟ بالاخره شباهت بوده یا نبوده و اگر بوده، چقدر بوده یا ید؟ نکته دیگر در این دوا این است که نسبت معقولی بین اعداد مطرح شده و کیفیت آثار وجود ندارد. سریال‌های موفق دهه ۶۰ و ۷۰ بودجه‌های آنچنانی ساخته شده. شاب بی‌دل و سبیل انکاری از ساخت سریال‌ها در سال‌های اخیر به یک ایدئمی تبدیل شده است که عوامل در سریال ناموفق، برای پیشرفت خودشان دست کم به بررسی فضاهایشان بپردازند و با جوسازی‌های رسانه‌ای، سعی در نهان کردن نقص‌هایشان نکنند.

سپتامبه ۲۱ خرداد ۱۳۹۸ شماره ۲۷۸۵

۱۲

سپتامبه ۲۱ خرداد ۱۳۹۸ شماره ۲۷۸۵

۱۳

ادامه از صفحه ۱۲

فرهنگ

سپتامبه ۲۱ خرداد ۱۳۹۸ شماره ۲۷۸۵

فرهنگ

ادامه از صفحه ۱۲



غبار آگین است و ابرهای آلوده و دود تا تأسیسات آتش گرفته اتمی، آن را مخدر کرده‌اند. مبادا هوس بازگشت به دوران غبار آلود گذشته، به دورانی را بکنید که در آن آرام‌نایک‌تان نبود و در برابرش رقیبی با مقیاس‌های خود وجود داشت. این به‌دوران آلوده آمریکا و... که این یعنی حق قرار گرفتن در برابر یک فاجعه اتمی که در آن تمام توان فنی‌شان را برای ساخت سریالی درباره حادثه چرنوبیل به کار گرفته‌اند؟ ترس از اینکه بازگشت به دوران آلوده آمریکا را به جای نزدیک شدن به لحظه تحقق، عقب‌عقب‌برد و سقوط کند، ترس از اینکه جهان هوس نسخه‌های جایگزین در برابر نظام قطعی داشته باشد، ترس از تمایل به فروختن شعله‌نمایات فرهنگی حریق‌های احتمالی آینده و با فروختن شعله‌نمایات فرهنگی اصطلا‌خاشاف‌پانکی که همه دنیا را مجبور به پذیرفتن قالب خودش می‌کند و ترس از تمایل مردم به دولت مسئولیت‌پذیر، جدید آمریکا! چنان‌ا نیستند که در برابرشان بشود در دنیای زنده، خود را مردم را به جای آنها به جان بخرد... چنین چیزی می‌خواهید؟ شوروی چنین چیزی بود. قیافه چنین چیزی همین است که ما در سریال «چرنوبیل» نشان‌تان می‌دهیم. سینمای آمریکا به یک معنا همیشه سینمای روس بوده‌ترس از سئوکارها، ترس از قیام‌خشیستین‌ها و حذف‌شدگان جامعه و معناریت‌شافیت، در برابر حریف‌خیالی غیرشفاغ که دیگر ترس از بازگشت نمایات اجتماعی جهان به دوران‌های کهن و اصل در قالب نمادین پر خاستن موسمی‌ها و زنده شدن روزاری میان‌شده‌های گوناگون کهن و اصل نشان داده می‌شود. سینمای آمریکا در آن دوران پر از عشق و روزها حرفی از زاین‌مدن مهاجران به این سرزمین نبود. سینمای آمریکا در آن دوران پر از آشق و عاشقی و پر از خولده‌بود و این‌ها همه چیزهایی به حساب می‌آیند که دیگر لزومی نمی‌دند از به‌عبرت و تجربه‌شدن قبل از آن. اما در سریال «چرنوبیل» عملکرد رفته‌رفته دیگری پیش گرفت، به خصوص در سال ۲۰۰۸ که این سوسو یعنی پس از بحران اقتصادی وال استریت و تأثیرات فرهنگی-اجتماعی آن، عنصر درگیری مرطبی که در مقامات است که همه چیز را جنایت ازبایی می‌کند و به عبارتی عنصر تضادف، در رخ دادن یک فاجعه به‌طور کل در محاسبات و داوری‌ها منظور نیست.

سکاس افتخاجیه، مولوگ‌های شخصیتی میان‌پایه از همان اتمی چرنوبیل بسیار عظیم‌بوده و مهار آن توسط روس‌ها در کنار تمام خطاهایی که هنگام مدیریت بحران انجام داده‌اند، کاری بسیار طاقت‌فرسا و حتی به قدر ۹۶ برابر قسید. اما آمریکا‌ها از این زاویه به قضیه نگاه نمی‌کنند. تا‌کید آنها روی حادثه چرنوبیل که سال‌ها بعد با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی همچنان ادامه پیدا کرده، ریشه در سرخوردگی کم و بیش دو میلیون تومان ساخته شده است. چرنوبیل در زمان خود، برای اولین بار، به عنوان یک راکتور هسته‌ای برای پیشرفت هسته‌های پیش از اواخر جنگ سرد ایجاد کرده بود. روس‌ها طی راپایان جنگ جهانی دوم، فناوریون قضایی دست‌پاگردند و آمریکا‌ها روزم مقابل‌یون فناوری هسته‌ای مامو می‌دانند تا اینکه روس‌ها توسط جاسوسی هسته‌ای نتوانستند ظرف مدت یک دهه، توانمندی هسته‌ای و حتی قابلیت ساخت بمب اتمی برسند.

اولین جنگ سرد با اواخر آن تراز یکسانی به لحاظ توان نیروهای دو طرف منطبق قرار نداشت. در اوایل کار روس‌ها موفق‌تر از اواخر آن بودند و این روند نزولی نهایتاً به فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی انجامید. انفجار در نیروگاه اتمی چرنوبیل یکی از اتفاقاتی بود که گمانه‌زنی‌های شان اشتباه بوده است و به خط رفته‌اند. «اظهارات تحویلشان در حالی است که بعد از شکست سریال «از یادها رفته»، نعمتی در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر، از این شباهت استقبال کرده و آن را به شباهت یک مرد با جرح کلونی! قیاس می‌کند. دلیل این تناقض در گفتارهای عوامل «از یادها رفته» چیست؟ بالاخره شباهت بوده یا نبوده و اگر بوده، چقدر بوده یا ید؟ نکته دیگر در این دوا این است که نسبت معقولی بین اعداد مطرح شده و کیفیت آثار وجود ندارد. سریال‌های موفق دهه ۶۰ و ۷۰ بودجه‌های آنچنانی ساخته شده. شاب بی‌دل و سبیل انکاری از ساخت سریال‌ها در سال‌های اخیر به یک ایدئمی تبدیل شده است که عوامل در سریال ناموفق، برای پیشرفت خودشان دست کم به بررسی فضاهایشان بپردازند و با جوسازی‌های رسانه‌ای، سعی در نهان کردن نقص‌هایشان نکنند.

آمریکایی‌ها با سریال «چرنوبیل»، با دیگر سراغ جنگ سرد رفتند

حمله به غرور یک رقیب مرده



هیچ جمله هر و بی‌مقصودی در آن، از ابتدا تا انتها، دیده نمی‌شود.

مکالمات بین پروفیسور لگاسف و پروفیسور یولانا خویموک، در مورد این حادثه و لزوم آگاه‌سازی مردم آن، برای آن، به‌دلیل بی‌سن بردن خطر تکرار این اتفاق در آینده، از جمله مکالمات مهم سریال است که تقریباً بخش قابل توجهی از فیلمنامه را در بر می‌گیرد.

مکالمه بین سرباز وپیرزن روستایی روس هم که حاضر به ترک خانه‌اش به‌خاطر انفجار هسته‌ای نیست، جزء قسمت‌های مهم سریال محسوب می‌شود. این پیرزن که به‌عنوان یک فرد رنج کشیده در کشوری مثل روسیه به تصویر کشیده می‌شود، در حقیقت نمادی است از ملتی که تمام گذشته و تاریخ ملکش را با تمام سختی‌ها و مشقت‌ها در چند جمله بیان می‌کند و در انتها نیز به اجبار مجبور به ترک خانه و کاشانه‌اش می‌شود. این صحنه به همراه مکالمات قدرتمندش، یکی از تاثیرگذارترین قسمت‌های سریال را رقم می‌زند.

نویسنده‌هفتونی، سبیر تاریخی روسیه را از آثار و تار و پودشون‌ها کا گور باجوف و ظلم‌هایی که باعث فروپاشی این کشور شد، به‌خاطر در دیالوگ‌های کوتاه و پشت‌سرهم این پیرزن، هوشمند به سرباز جوان، خلاصه می‌کند.

از انفجار تا فروپاشی

حادثه چرنوبیل هر چند در آن سال‌ها به نظر می‌رسید توسط مقامات شوروی برای مردم دنیا و به‌خصوص اروپا تا حدودی توجه شده، اما در واقع چنین بزرگی به‌دعا و غرور اتحادیه جماهیر شوروی و نظام کمونیستی در و باعث شد، به‌همراه

انفجار بعدی، ضربات زیادی را بطور تخریوار بر پیکره این نظام وارد کند تا آنجا که نهایتاً پنج سال بعد از این حادثه، فروپاشی اتفاق افتاد. واضح است که معضلات تاریخی و سیاسی حادثه «چرنوبیل» به‌گونه‌ای است که وقتی هالیوود سراغ آن می‌رود لاجرم پرداخت روایتی از آن برای آن مقاصد سیاسی نخواهد بود. توجه‌شدن آگاه‌خاستگان غربی‌اش «چرنوبیل» به کشوری استراتژیکی همچون اوکراین باز می‌گردد که در سال‌های اخیر محل عرض اندام سیاسی دو کشور آمریکا و روسیه بوده است. البته می‌توان بخشی از تبلیغات وسیعی را که درمورد ساخت این سریال شکل گرفته است به شرایط سیاسی فعلی این کشور نیز مرتبط دانست. اینکه آمریکا همچنان امیدوار است از طریق طرفداران سیاست‌های لیبرالی، اوکراین را برای همیشه از آن دزد کند. البته این هدفی است که در حال حاضر در توان خود هم به‌عنوان یک کشور تغییر‌پذیر ن‌بازی، برای آمریکا اهمیت دارد.

چرنوبیل و بمباران هیروشیما و ناکازاکی

واقعیت این است که طبق خاطرات هالیوودی، همیشه به‌دلیل بهترین دفاع است به‌خاطر همین در تمام این سال‌ها بعد از جنگ جهانی دوم، هر فیلم با سریال قدرتمندی، با توجه وسوسه نقد به کار بردن بمب اتمی توسط آمریکا ساخته نشده و در تمام فیلم‌های تاریخی که حول جنگ جهانی دوم می‌گردد، اگر هم گریزی به این ماجرا زده نشده باشد، هالیوود تا این حد به ضررها و مشکلات هسته‌ای و به تصویر کشیدن قربانیان اتمی و لحظه‌به‌لحظه رنج‌شان علاقه‌مند نیست. چرا که این موضوع به‌عنوان یک زن ماندن، است. چرا تا به حال فیلم با سریالی با این دقت و جزئیات، از جنایت هیروشیما و قربانیانش ساخته و این تأسیسل را صرفا برای حادثه چرنوبیل نگه داشته است؟

فیلمنامه و شخصیت‌پردازی‌ها

در ابتدای سریال از زبان پروفیسور لگاسف، دیالوگ جاملی گفته می‌شود: اشتباه گرفتن دروغ با حقیقت چیز خطرناکی نیست. تفسیر اصلی این است که اگر انسان دروغ‌های زیادی بشنود، دیگر نمی‌تواند حقیقت را تشخیص دهد». این جملات از زبان شخصیتی گفته می‌شود که مجبور شده به‌خاطر حفظ غرور اتحادیه جماهیر شوروی و نظام کمونیستی آن، حقیقت اشتباه انسانی را درمورد حادثه چرنوبیل، لپوشانی کند و طبق روند داستان، از همان ابتدای ماجرا، هم عذاب‌بودن دارد و هم می‌خواهد که مردم را از واقعیت باطل مطلع کند. شخصیت‌پردازی پروفیسور لگاسف، (با بازی جردن هریس) به‌همراه یولانا خویموک، (با بازی درخشان امیلی واتسون) به‌عنوان یک زن دانشمند، به‌سبب جسر و صافق، به خوبی در داستان سریال چرنوبیل پرداخت‌شده است و از همان ابتدای او شخصیت، مخاطب را به مه‌دات پنداری با خود در شرایط سخت پیش آمده و انتخاب بین وجدان و منافع‌شاد می‌برد. این شخصیت به‌هسته‌ای خودش، به خود مخاطبان می‌دهد.

فاطمه قاسم‌آبادی

روزنامه‌نگار

در مورد حادثه «چرنوبیل» با همان «ایستگاه هسته‌ای ولادیمیر ای لنین» که در سال ۱۹۸۶ به‌خاطر خطای انسانی منجر شد و خسارات زیادی را برای روسیه و قسمتی از اروپا به وجود آورد هم، وضع به همین منوال است. شبکه HBO به‌عنوان یکی از شبکه‌های آمریکایی بر مخاطب کابلی، به‌همراه شبکه SKY انگلستان، با نگاه به این حادثه، مبنی سریالی ساخته است که به بررسی حادثه چرنوبیل از نگاه خودشان می‌پردازد و با توجه به نظرسنجی‌های اخیر سیات IMDB، گویا این سریال توانسته در سال ۲۰۱۹ در رتبه نخستین این سایت بایستد و به‌عنوان «پرمخاطب‌ترین سریال تاریخ» دست پیدا کند.

چرنوبیل تلویزیونی یا واقعی

ماجرای آنجا شروع می‌شود که در نیروگاه چرنوبیل در اوکراین، مصدیان را کتور را برای انجام آزمایش قطعی برق سیستم ایمنی غیرفعال کردند (کندکننده‌های یوترون را از آن خارج کردند). هدف مصدیان از این آزمایش، این بود که بدانند آیا تئورین‌های چرنوبیل هنگام قطع برق قادر به تولید برق کافی برای ادامه کار نیروگاه خواهند بود یا خیر؛ درنهایت این آزمایش نیز شکست خورد و با انفجار و آتش‌سوزی در کار کتور همراه چار نیروگاه چرنوبیل، تبدیل به آجعه‌ای بزرگ شد. ژدانشه، معروف بود، ممکن است مخاطب را بساد «دوران ترس از اینکه بازگشت به دوران آلوده آمریکا را به جای نزدیک شدن به لحظه تحقق، عقب‌عقب‌برد و سقوط کند، ترس از اینکه جهان هوس نسخه‌های جایگزین در برابر نظام قطعی داشته باشد، ترس از تمایل به فروختن شعله‌نمایات فرهنگی حریق‌های احتمالی آینده و با فروختن شعله‌نمایات فرهنگی اصطلا‌خاشاف‌پانکی که همه دنیا را مجبور به پذیرفتن قالب خودش می‌کند و ترس از تمایل مردم به دولت مسئولیت‌پذیر، جدید آمریکا! چنان‌ا نیستند که در برابرشان بشود در دنیای زنده، خود را مردم را به جای آنها به جان بخرد... چنین چیزی می‌خواهید؟ شوروی چنین چیزی بود. قیافه چنین چیزی همین است که ما در سریال «چرنوبیل» نشان‌تان می‌دهیم. سینمای آمریکا به یک معنا همیشه سینمای روس بوده‌ترس از سئوکارها، ترس از قیام‌خشیستین‌ها و حذف‌شدگان جامعه و معناریت‌شافیت، در برابر حریف‌خیالی غیرشفاغ که دیگر ترس از بازگشت نمایات اجتماعی جهان به دوران‌های کهن و اصل در قالب نمادین پر خاستن موسمی‌ها و زنده شدن روزاری میان‌شده‌های گوناگون کهن و اصل نشان داده می‌شود. سینمای آمریکا در آن دوران پر از عشق و روزها حرفی از زاین‌مدن مهاجران به این سرزمین نبود. سینمای آمریکا در آن دوران پر از آشق و عاشقی و پر از خولده‌بود و این‌ها همه چیزهایی به حساب می‌آیند که دیگر لزومی نمی‌دند از به‌عبرت و تجربه‌شدن قبل از آن. اما در سریال «چرنوبیل» عملکرد رفته‌رفته دیگری پیش گرفت، به خصوص در سال ۲۰۰۸ که این سوسو یعنی پس از بحران اقتصادی وال استریت و تأثیرات فرهنگی-اجتماعی آن، عنصر درگیری مرطبی که در مقامات است که همه چیز را جنایت ازبایی می‌کند و به عبارتی عنصر تضادف، در رخ دادن یک فاجعه به‌طور کل در محاسبات و داوری‌ها منظور نیست.

سکاس افتخاجیه، مولوگ‌های شخصیتی میان‌پایه از همان اتمی چرنوبیل بسیار عظیم‌بوده و مهار آن توسط روس‌ها در کنار تمام خطاهایی که هنگام مدیریت بحران انجام داده‌اند، کاری بسیار طاقت‌فرسا و حتی به قدر ۹۶ برابر قسید. اما آمریکا‌ها از این زاویه به قضیه نگاه نمی‌کنند. تا‌کید آنها روی حادثه چرنوبیل که سال‌ها بعد با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی همچنان ادامه پیدا کرده، ریشه در سرخوردگی کم و بیش دو میلیون تومان ساخته شده است. چرنوبیل در زمان خود، برای اولین بار، به عنوان یک راکتور هسته‌ای برای پیشرفت هسته‌های پیش از اواخر جنگ سرد ایجاد کرده بود. روس‌ها طی راپایان جنگ جهانی دوم، فناوریون قضایی دست‌پاگردند و آمریکا‌ها روزم مقابل‌یون فناوری هسته‌ای مامو می‌دانند تا اینکه روس‌ها توسط جاسوسی هسته‌ای نتوانستند ظرف مدت یک دهه، توانمندی هسته‌ای و حتی قابلیت ساخت بمب اتمی برسند.